



آوانماها در زبان کردی

فرهاد محمدی (نویسنده مسئول)^۱

دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۰

چکیده

واژگانی که بر آوای خاصی دلالت می‌کنند، در زبان کردی چنان تنوعی دارند که برای تمام انواع صداهای مختلف می‌توان واژه‌ای معین یافت. این گونه از واژگان از نظر نوعی، بر خلاف زبان فارسی، صرفاً اسم نیستند، بلکه غالباً آنها از مقوله‌ی فعل محسوب می‌شوند که در دو زمان حال و گذشته و برای صیغه‌های سه‌گانه و در وجه‌های مختلف قابل صرف هستند؛ بنابراین آوانماها را در زبان کردی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- آواهای فعلی؛ ۲- آواهای اسمی. آواهای فعلی چون ذاتاً وقوع عملی را نشان می‌دهند و می‌توان ریشه‌ی فعلی را در آنها مشخص کرد، ساختمان صورت مصدری و صرف فعل آنها بسیط (= ساده) است؛ اما آواهای اسمی هنگامی که به حالت فعل درآیند، شکل فعلی آنها به صورت مرکب

^۱ . mohammadifarhad16@gmail.com

خواهد بود. در این نوشتار نخست توصیفی از ساختمانِ هجایی و الگوی ترکیب و ترتیبِ واجی در آوانماهای زبان کردی بیان می‌شود، سپس نمایه‌ای از پُرکاربردترین آوانماهای موجود در این زبان به ترتیبِ حروفِ الفبا ذکر می‌شود.

واژگان کلیدی: زبان کردی، آوانما، آوای اسمی، آوای فعلی، ساختمان هجایی.

۱- مقدمه

«اسم صوت»، «نام آوا» و «صداهاى طبیعى» عنوان‌هاى مختلفی هستند که بر معنای واحد دلالت دارند و منظور از آنها واژگانی است که بیانگر صدای خاصّ یک پدیده هستند. این پدیده می‌تواند هر چیزی اعمّ از جاندار (= حیوان‌ها، حشره‌ها و ...) و بی‌جان (= پدیده‌های طبیعی) باشد. به دلیل این که در زبان فارسی واژگانی که بیانگر صدای چیزی هستند، در مقوله‌ی اسم قرار دارند، در نامگذاریِ چنین واژگانی از الفاظی چون «نام» و «اسم» استفاده شده است. اما در زبان کردی با توجّه به این که واژگانِ مربوط به صداها به تمامی اسم نیستند، عنوان‌هایی مانند «اسم صوت» و «نام آوا» نمی‌توانند همه‌ی آواها را در زبان کردی پوشش دهند؛ از این رو عنوانِ «آوانما» را برای اشاره به این گونه از واژگان به کار می‌بریم تا این عنوانِ عام و فراگیر مواردی را که نوعاً غیر اسم هستند، شامل شود. البته می‌توان عنوانِ «واژه آوا» را هم برای چنین واژگانی به کار برد که البته تلفظِ «آوانما» نسبت بدان آسان‌تر است.

هرچند زبان‌شناسان اثبات کرده‌اند که رابطه‌ی بین لفظ و معنی (= دالّ و مدلول) رابطه‌ی طبیعی و حقیقی نیست، بلکه قراردادی است، اما همه‌ی آنان اذعان دارند که در تمام زبان‌های دنیا گروهی از واژگان از این قضیه مستثنی هستند و دلالت لفظ بر معنی در آنها ذاتی و طبیعی است. این گونه از واژگان را نام آوا یا اسم صوت نامیده‌اند (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۱۰). توجّه به نوعِ واج‌ها و هجاها و چگونگیِ ترتیب و ترکیبِ آنها کاملاً نشان می‌دهد که رابطه‌ی لفظ با معنا در چنین واژگانی، بر خلافِ گونه‌های دیگری از واژه‌ها، ذاتی و طبیعی است. در هر زبانی سعی شده است برای صداها واژه‌هایی ساخته شود که دقیقاً انعکاسِ آن صداها باشد؛ به همین سبب است که در بیشترِ آوانماها هم‌نشینیِ واج‌های هم‌مخرج، تکرارِ واج‌ها و حتّی

تکرار عینی یک جزء را می‌توان مشاهده کرد. موضوع بسیار مهمی نیز که از تأمل در صورت اسم مصدر آوانماهای زبان کردی نیز قابل دریافت است، انطباق کامل و تام این واژگان با صداهایی است که در دنیای واقعی تولید می‌شود؛ در واقع سخنوران زبان کردی در ساخت چنین واژگانی واج‌هایی را در کنار یکدیگر قرار داده‌اند که ترکیب حاصل از آنها بتواند صدای مورد نظر را دقیقاً مجسم کند. با توجه به این موضوع می‌توان گفت که در آوانماها چگونگی انتخاب واج‌ها و ترکیب آنها کاملاً مطابق صداهای طبیعی صورت گرفته است؛ طوری که واژه تقلیدی حسّی از صدا است. صامت‌هایی که در آوانماها بسامد بالایی دارند، مواردی هستند که صدا و آهنگ خاصی دارند: گ، ژ، چ، ل، ل، ر، پ، ق، خ، پ.

۱-۱ بیان مسأله

در زبان کردی واژگانی که بر صدای خاصی دلالت دارند، بسیار زیاد هستند؛ طوری که در این زبان برای صدای هر چیزی واژه‌ای معین وجود دارد و تنوع صداها و آواهایی که به پدیده‌های مختلف مربوط می‌شود، گسترده است. بسامد این گونه از واژگان آن اندازه است که می‌توان با قاطعیت گفت که صدای هر چیزی یک واژه‌ی مشخص به عنوان نشانه در نظام زبانی دارد. از صدای حیوان‌ها و حشره‌ها گرفته تا صدای پدیده‌های طبیعی همچون آب، باد، ابر، آتش و ... برای هر یک واژه‌ای را می‌توان یافت، مانند «گره‌ی هه‌ور»، «بار‌هی په‌ز»، «ک‌ل‌په‌ی ئاگر» و ... حتی در زبان کردی برای صداهای مختلفی که یک جانور یا حیوان تولید می‌کند، واژگان گوناگونی وجود دارد که هر کدام حالت متفاوتی دارند و واژه‌ی مربوط به آن صدا متناسب با حالت و موقعیت خود به کار می‌رود؛ برای نمونه، صداهای مختلفی که الاغ تولید می‌کند، تنها با یک لفظ نشان داده نمی‌شود، بلکه گویندگان این زبان برای اشاره به هر کدام از آنها از واژه‌ی جداگانه‌ای استفاده می‌کنند: «سه‌ره‌ی که‌ر»، «م‌ره‌ی که‌ر»، «نه‌ره‌ی که‌ر».

در مقام مقایسه اگر واژگانی که صدای خاصی را بیان می‌کنند، در دو زبان کردی و فارسی مقایسه کنیم، کاملاً مشخص می‌شود که چنین واژگانی در زبان فارسی، هم از نظر

کمی و هم از نظر کیفی، به گستردگی زبان کردی نیست؛ زیرا در زبان فارسی اولاً برای صدای هر چیزی یا پدیده‌ای واژه‌ی معین و جداگانه‌ای وجود ندارد و برای اشاره به صدای غالب پدیده‌ها تنها از این فرایند استفاده می‌شود که واژه‌ی «صدا» را به اسم آن چیز اضافه می‌کنند، مانند «صدای آب»، «صدای باد»، در حالی که برای اشاره به صدای هر کدام از این پدیده‌ها در زبان کردی واژه‌ی معینی وجود دارد: «هاژه‌ی ناو»، «هاژه‌ی با»؛ ثانیاً مواردی نیز که در زبان فارسی وجود دارد، غالباً ترکیبی است، مثلاً ترکیب عطفی، مانند «خروپف» یا این که واژه‌ی مربوط به صدا از تکرار یک جزء ساخته شده است، مانند «بعبع»، اما در زبان کردی چنین واژگانی بسیط هستند، همچون «پرخه»، «باره» که در ادامه در ضمن بیان مطالب به این نکات اشاره می‌شود.

برای شناخت وضعیت آوانماها در زبان کردی ضروری است که آنها را از جنبه‌های اسمی و فعلی، ساختمان واجی و هجایی و نیز حالت قیدی و صفتی بررسی کرد. با توصیف و تشریح هر یک از این جنبه‌ها، ظرفیت و قابلیت زبان کردی در کمیّت و کیفیت آوانماها نمایان می‌شود.

۱-۲ مروری بر بحث آوانماها در آثار تحقیقی فارسی و کردی

در غالب کتاب‌های دستور زبان فارسی به وجود اسم صوت یا نام‌آوا به عنوان یکی از مصداق‌های مبحث اسم اشاره شده است؛ اما نه به صورت مفصل و عمیق، بلکه دستورنویسان تنها به وجود چنین مقوله‌ای در زبان اشاره کرده‌اند. مطالبی که درباره‌ی نام‌آوا یا اسم صوت در این کتاب‌ها بیان شده، تقریباً شبیه به هم هستند و در همه‌ی آنها به تعریف اسم صوت و ذکر چند مثال اکتفا شده است؛ برای نمونه، استاد خیامپور اسم صوت را، همراه با اسم لفظ و اسم معنی، یکی از اقسام اسم معنی می‌داند و آن را چنین تعریف می‌کند: «اسمی که صدایی را حکایت کند، از صدای حیوانات یا اشیا یا انسان، مانند عرعَر، شرشر، قاه‌قاه» (خیامپور، ۱۳۸۴: ۳۴). در برخی از کتاب‌های دستور در ضمن تعریف اسم صوت به ساختمان آن نیز اشاره شده است که در این باره اختلاف نظرهایی وجود دارد. انوری و احمدی‌گیوی آن را

لفظِ مرگب می‌دانند (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۶۸: ۴۶)؛ در مقابل از جمله کسانی که اسم صوت‌ها را در زبان فارسی از نظر ساختمان، ساده دانسته، نوبهار است و آن را چنین توجیه کرده است: «این گونه اسم‌ها اگرچه ظاهراً لفظ مرگب می‌باشند، ولی چون به واژک‌های معنی‌دار قابل تجزیه نیستند، در حکم اسم ساده می‌باشند» (نوبهار، ۱۳۷۲: ۵۸). نشاط نیز در مقاله‌ای با عنوان «اسم صوت و کاربرد آن در زبان فارسی» نخست به نقش‌های نحوی که اسم صوت‌ها می‌توانند در جمله بگیرند، تغییرات صرفی که در آنها رخ می‌دهد و ساختمان تشکیل‌دهنده‌ی آنها اشاره کرده، سپس در بخش آخر مقاله فهرستی از اسم‌صوت‌های زبان فارسی را به ترتیب حروف الفبا آورده است (نشاط، ۱۳۵۶: ۲۸۴ - ۲۹۲). اما تنها تحقیق مفصلی که در زبان فارسی درباره‌ی نام‌آواها صورت گرفته، کتاب «فرهنگ نام‌آواها در زبان فارسی»، اثر تقی وحیدیان کامیار است. نویسنده در بخش آغازین کتاب اطلاعات جامع و مطالب بسیار مفیدی درباره‌ی اهمیت و ویژگی نام‌آواهای زبان فارسی بیان کرده است. افزون بر این‌ها به کمبودها و اشکالات فرهنگ‌ها نسبت به نام‌آواها پرداخته است و حتی نظر اندیشمندانی چون یسپرسن و اولمن را درباره‌ی انواع نام‌آواها مطرح کرده است. پس از مقدمه‌ی مفصل، حدود ۴۵ صفحه، نویسنده مجموعه‌ای از نام‌آواهای زبان فارسی را به ترتیب حروف الفبا و در قالب فرهنگ نام‌آوایی ذکر کرده است.

بر خلاف کارهای صورت گرفته در زبان فارسی، در زبان کردی تاکنون به صورت مستقل و متمرکز تحقیقی درباره‌ی آوانماها صورت نگرفته است. تنها در ضمن بحث از مقوله‌ی اسم و یا هنگام بررسی ساختمان واژه، گذرا به چنین واژگانی اشاره شده است. برای نمونه، حاجی مارف هنگام بحث از اسم‌های مرگب، چند مورد از نام‌آواها را برای موضوع چگونگی ساخت اسم ذکر کرده است تا نشان دهد که در این واژگان، اسم با تکرار لفظ ساخته می‌شود: قرچه‌قرچ، م‌ل‌چهم‌ل‌چ، چه‌قه‌چه‌ق، جی‌ره‌جی‌ر و ... (حاجی مارف، ۱۳۹۶: ج ۱: ۱۰۳). محمد رحیمی نیز در بحث از ساختار نام‌آوا در زبان کردی، نام‌آواها را به ساده، مشتق، مرگب و مشتق - مرگب تقسیم کرده است که جای تأمل و بازنگری دارد؛ زیرا ایشان حالات فعلی،

مصدری، قیدی و اسم مصدری نام آواها را در نظر نگرفته و تمام صورت‌ها را مختلط کرده است (رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

۲- نوع آوانماها در زبان کردی

واژگانی که در زبان کردی بر صدای خاصی دلالت می‌کنند، نوع و حالت یکسانی ندارند، بلکه برخی از آنها صرفاً اسم هستند و برخی نیز علاوه بر صورت اسمی، می‌توانند به شکل فعل بسیط (= ساده) نیز درآیند؛ بنابراین از نظر نوعی می‌توان چنین واژگانی را به دو دسته‌ی اصلی تقسیم کرد: ۱- آواهایی که صرفاً اسم هستند و ریشه‌ی فعلی ندارند؛ ۲- آواهایی که ریشه‌ی فعلی دارند و فعل محسوب می‌شوند و ذاتاً وقوع یک عمل را نشان می‌دهند.

۲-۱) آواهای اسمی (= نام آواها)

از این گونه آواها نمی‌توان فعل بسیط ساخت؛ زیرا ریشه‌ی فعلی ندارند. چنین مواردی چون صرفاً اسم هستند، اگر قرار باشد که از آنها فعل ساخته شود، باید با یک جزء فعلی ترکیب شوند تا فعل مرکب به دست آید. آواهایی مانند «وزه»، «وره»، «زړه»، «خشه»، «خره» و ... چنین ویژگی‌هایی دارند. دلیل این که چنین آواهایی در اساس اسم هستند و ریشه‌ی فعلی ندارند، این است که نمی‌توان از آنها صورت مصدری در قالب یک واژه‌ی بسیط ساخت؛ تنها می‌توان آنها را با جزء فعلی ترکیب کرد، مانند «وزه کردن». در حالی که صورت مصدری آواهای فعلی یک واژه‌ی بسیط است.

در زبان کردی وقتی بخواهند از آواهای اسمی فعل مرکب بسازند، به دو صورت عمل می‌کنند: یکی این که همانند ساخت فعل‌های مرکب از آواها در زبان فارسی می‌توان جزء مربوط به صدا را تکرار و آن را با جزء فعلی ترکیب کرد، مانند «خش‌خش نه‌کا» که در زبان فارسی هم می‌گویند «خش‌خش می‌کند»؛ دیگر این که در برخی از آواهای اسمی این امکان وجود دارد که بدون تکرار جزء مربوط به آوا، تنها اسم حاصل مصدر آوای مورد نظر را با جزء فعلی ترکیب کرد تا فعل مرکب ساخته شود، مانند «جی‌ره نه‌کا». البته حالت تکرار اسم به این دلیل که صدا را بهتر مجسم می‌کند، متداول‌تر است. همچنین این موضوع که هنگام

ساختنِ فعلِ مرگب از آواهای اسمی چگونه عمل می‌کنند (= تکرار صدا یا عدم تکرار آن)، تا حدودی به جزء فعلی هم بستگی دارد.

همان‌طور که اشاره شد آواهای اسمی صورتِ مصدریِ بسیط ندارند و حالتِ مصدریِ آنها مرگب است؛ با این حال، شکلِ حاصلِ مصدرِ آنها کارِ مصدر را انجام می‌دهد و چنین آواهایی وقتی به حالتِ حاصلِ مصدر پدیدار شوند، همواره با نقش‌نمای اضافی به اسمی که بدان تعلق دارند، اضافه می‌شوند: «زِره‌ی زه‌نگ»، «هاژه‌ی وه‌فراوان»:

وه‌هارهن، سه‌وزهن، ناوهن، پای کاوهن هاژه‌ی وه‌فراوان، شاخه‌ی شه‌تاوان
(نقل از: احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۳)

۲-۲) آواهای فعلی (= فعل آوا)

صدا در بیشتر مواقع یک نوع عمل محسوب می‌شود؛ به سخنِ دیگر، صدا خود بر وقوع یک فعل خاصی دلالت دارد؛ از این رو، بیشترِ صداها در زبان کردی چون بیانگرِ یک نوع فعل هستند، این قابلیت را دارند که به ساختار فعل درآیند. صداهایی از این نوع غالباً صدای حیوان‌ها و حشره‌ها و نیز برخی حالاتِ مربوط به فعالیت‌های انسان هستند که فاعلِ منطقی دارند، یعنی در تولید صدا یک فاعل به صورت مستقیم دخالت دارد. از این گونه واژگانِ مربوط به صداها می‌توان ریشه‌ی فعلی، حالتِ مصدری، صورت‌های ماضی و مضارع و حتی وجه‌های اخباری و امری را تعیین کرد. برای نمونه، واژه‌ی «ملچه» که به صدای برآمده از حالتِ ناپسندِ خوردن چیزی اشاره می‌کند و از نظرِ نوع کلمه، اسمِ مصدر است، یک نوع فعل محسوب می‌شود که مصدرِ فعلیِ آن «ملچان» یا «ملچانن» است. این فعل آوا همانندِ بقیه‌ی فعل‌هایی که بر صدای خاصی دلالت ندارند، در شخص‌ها و زمان‌ها و وجه‌های مختلف کاربرد دارد و در هر یک از این حالات قابلِ صرف است:

«ئه‌ملچنی» = سوم شخص مفرد در وجه اخباری و مربوط به زمان حال (= مضارع)؛

«نه‌یانملچان» = سوم شخص جمع در وجه اخباری و مربوط به زمان گذشته (= ماضی)؛

«مه‌ملچنه» = اول شخص مفرد در وجه امر منفی / نهی.

نمونه‌هایی مانند «ملچه»، به عنوان آواهای فعلی، که در زبان کردی فراوان یافت می‌شوند، فعل بسیط هستند که برعکس آواهای اسمی برای ساختن فعل نیازی به جزء دیگری ندارند؛ بنابراین برای تشخیص نوع آواها که آیا اسمی هستند یا فعلی، می‌توان از شیوه‌ی ساخت مصدر و فعل استفاده کرد. با این روش مشخص می‌شود که تنها مواردی فعل هستند که بتوان آنها را در قالب یک واژه مقید به زمان و شخص کرد تا فعل بسیط ساخته شود یا این که صورت مصدری آنها که به «ان» ختم می‌شود، به دست داد. در مواردی که چنین فرایندهایی عملی نشود، دلیل بر این است که آن موارد اسمی هستند، مانند دو نمونه‌ی زیر که اولی آوای فعلی است؛ زیرا می‌تواند به صورت فعل بسیط درآید، اما دومی چون این ظرفیت را ندارد و تنها می‌تواند با جزء فعلی ترکیب شود تا فعل مرکب بسازد، اسمی است: ۱- «نکه» = نه‌نکنی (فعلی)؛ ۲- «گزه» = گزه‌نه‌کا (اسمی).

نکته‌ی قابل توجه درباره‌ی ساخت فعل از آواهای فعلی این است که افزون بر کاربرد آنها به شکل بسیط، می‌توان به شکل فعل مرکب نیز درآیند؛ بدین صورت که اسم مصدر آنها با جزء فعلی (= فعل کمکی) ترکیب می‌شود و یک فعل مرکب به دست می‌آید که چنین ظرفیت‌هایی غنای نحو زبان کردی را نشان می‌دهد؛ برای نمونه می‌توان از آوای فعلی «گیزه» به دو صورت فعل ساخت: «نه‌گیزنی» = فعل ساده / بسیط، «گیزه‌نه‌کا» = فعل مرکب؛ البته در حالت فعل مرکب غالباً جزء مربوط به صدا دو بار تکرار می‌شود: «گیزه‌گیز نه‌کا».

شیوه‌ی ساخت فعل از آواهای فعلی دو‌هجایی و یک‌هجایی در هر یک از زمان‌های مختلف یکسان است و از یک فرم و ساختار پیروی می‌کند؛ بدین معنا که وقتی چنین آوایی را در زمان گذشته و حال برای شخص‌های مختلفی به کار می‌برند، صورت ساخت آنها شبیه

به هم است؛ برای نمونه چندین فعل را برای سوم شخص مفرد، در دو زمان حال و گذشته با هم مقایسه می‌کنیم تا شباهت ساختاری آنها نمایان شود:

حالت سوم شخص مفرد در زمان حال: «ئه‌بارنی»، «ئه‌سه‌برنی»، «ئه‌مشنی»، «ئه‌میرنی» و

...

حالت سوم شخص مفرد در زمان گذشته استمراری: «ئه‌یپیراند»، «ئه‌یسه‌پیراند»، «ئه‌یمشانند»، «ئه‌یمیراند» و ... حالت سوم شخص مفرد در زمان گذشته ساده: «پاراندی»، «سه‌راندی»، «مشاندی»، «میراندی» و ...

افزون بر شباهت ساختاری آواهای فعلی، شکل اسم مصدر آنها نیز در هر دو دسته‌ی یک-هجایی و دو هجایی یکسان است. نشانه‌ی اسم مصدر در همه‌ی آنها مصوت پایانی «ه» است: «نقه» = یک هجایی؛ «نرکه» = دو هجایی.

همان‌طور که اشاره شد، آواهای فعلی در زبان کردی به شکل بسیط پدیدار می‌شوند و نمونه‌های فراوانی نیز می‌توان برای آن ذکر کرد، در حالی که در زبان فارسی بسیار دشوار است که فعل بسیطی را یافت که به صدای پدیده‌ای اشاره کند. برای ساختن فعل با آوانماهای زبان فارسی نیاز است که این واژگان با فعل کمکی ترکیب شوند. برای درک بهتر از این مسأله، شیوه‌ی ساختن فعل از صدای کلاغ را در دو زبان کردی و فارسی مقایسه می‌کنیم. در زبان کردی اسمی که برای اشاره به صدای کلاغ به کار می‌رود، «قاره» است و در زبان فارسی نیز از لفظ «قارقار» استفاده می‌شود که هر دو لفظ بسیار شبیه به هم هستند. با وجود شباهت آنها در حالت اسمی، شیوه‌ی ساختن فعل از آنها کاملاً متفاوت است؛ فعلی که در زبان کردی از این صدا ساخته می‌شود، بسیط است (= ئه‌قارنی)، اما همین فعل در زبان فارسی مرکب است (= قارقار می‌کند).

۳- ساختمان هجایی و واجی در آوانماها

آواهای اسمی در حالت اسم حاصل‌مصدری از نظر سازه‌ی هجایی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- مواردی که یک هجایی هستند، مانند «وره»، «گفته»؛ ۲- نمونه‌هایی که دو هجا دارند،

همانند «زرمه»، «شه‌قه»، «شلپه». آواهای فعلی نیز که از آنها فعلِ بسیط ساخته می‌شود، حالتِ مصدری یا صورتِ اسمِ مصدر آنها از نظر سازه‌ای یا دوهجایی است یا یک‌هجایی. البته مواردِ دوهجایی بیشتر از یک‌هجایی‌هاست، مانند نمونه‌های زیر:

مصدرِ آواهای فعلیِ دوهجایی: «لووران»، «جیقان»، «قیژان» و

اسمِ مصدرِ آواهای فعلیِ دوهجایی: «لووره»، «جیقَه»، «قیژَه» و

مصدرِ آواهای فعلیِ یک‌هجایی: «مشان»، «مِران»، «نقان» و

اسمِ مصدرِ آواهای فعلیِ یک‌هجایی: «مشه»، «مِرَه»، «نقه» و

همان‌طور که از این نمونه‌ها به‌خوبی دریافت می‌شود، همانند آواهای اسمی، اسمِ مصدر در آواهای فعلی نیز، چه یک‌هجایی و چه دوهجایی، به مصوتِ کوتاهِ «ه» ختم می‌شود (این واج در زبانِ کردی معادلِ فتحه است و با واجِ «ها» تفاوت دارد). مصدرِ آنها نیز مثل تمام فعل‌های دیگر به صامتِ «ن» می‌انجامد.

نکته‌ی دیگری که درباره‌ی ساختمانِ هجاییِ آوانماهای دوهجایی باید بدان اشاره کرد، یکسانیِ هجای پایانی در تمام آنهاست؛ بدین صورت که در شکلِ اسمِ مصدر یا حاصل-مصدرِ آوانماهای دوهجایی، هجای پایانی در همه‌ی موارد از دو واجِ «صامت» + «مصوتِ کوتاهِ "ه"» تشکیل شده است: «چِرَوَقَه»، «تَرِیْقَه»، «گَرْمَه» و

اما از نظر ساختمانِ واجی، آواهای اسمی و فعلی در حالتِ اسمِ مصدر دارای الگوهای مشخصی هستند. الگوی ترکیبِ واجی در نمونه‌های تک‌هجایی در هر دو نوعِ اسمی و فعلی عیناً مثل هم است و تمام موارد ساختار یکسانی دارند؛ الگوی ترکیبِ واجی در اسمِ مصدرِ تک‌هجایی‌ها بدین شکل است:

«صامت + نیم‌مصوت + صامت + مصوتِ کوتاهِ "ه"» که جمعاً چهار واج است، مانند

«گَژَه»، «خِرَه»، «مشه» و مطابق قواعد واج‌شناسی در زبانِ کردی آن‌چه از این الگو در خط

نمودار می‌شود، طبیعتاً تنها سه واج است: دو صامت و مصوّت کوتاه پایانی. نیم‌مصوّت گرچه بسیار خفیف تلفظ می‌شود، اما نشانه‌ای در خط ندارد.

برخلاف موارد تک‌هجایی که ترکیبِ واجی در آنها از یک الگوی ثابت پیروی می‌کند، ترکیبِ واج‌ها در مواردِ دوهجایی دارای چندین الگو است که پُرکاربردترین آنها الگوی «صامت + مصوت + صامت + مصوت کوتاه "ه"» است که صامت و مصوتِ نخست مربوط به هجای اول است و صامت و مصوت کوتاه «ه» مربوط به هجای دوم. البته همین الگو خود با توجه به کوتاهی و بلندی مصوتِ نخست به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- دسته‌ای که در آن، مصوتِ نخست یکی از مصوت‌های بلند «الف»، «او» و «یا» است که این دسته نسبت به دسته-ی دیگر نمونه‌های زیادی را شامل می‌شود، مانند «قاله»، «جووکه»، «جیقه» و ...؛ ۲- دسته‌ای که در آن، مصوتِ نخست یکی از مصوت‌های کوتاه است. در این دسته آوانماهایی که دارای مصوت کوتاه «ئ» یا کسره باشد، نمودِ چندانی ندارد و غالبِ موارد با مصوت‌های کوتاه «ق» و «ه» پدیدار می‌شود، مانند «بۆره»، «ته‌قه» و در این الگو تعداد واج‌ها در هر دو دسته چهار واج است.

غیر از الگوی ذکرشده که پُرکاربرد است و مواردِ زیادی را شامل می‌شود، الگوهایی دیگری نیز وجود دارد که آوانماهای دوهجایی در آنها بیان می‌شوند. ترتیبِ واج‌ها در یکی از این الگوها چنین است: هجای اول: «صامت + نیم‌مصوت + صامت»؛ هجای دوم: «صامت + مصوت کوتاه "ه"». در این الگو غیر از نیم‌مصوت که در خط نشانه‌ای ندارد، بقیه‌ی واج‌ها دارای نشانه هستند، مانند «قرچه»، «زرمه» و تعداد واج‌ها در این الگو با احتساب نیم-مصوت پنج واج است. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که تعداد واج‌های آنها، همانند مواردِ این الگو، پنج واج است، اما نوع و ترتیب واج‌ها متفاوت از الگوی مذکور است، مانند «قه-وجه»، «هه‌سکه» که الگوی ترکیبی و ترتیبی واج‌ها در این نمونه‌ها چنین است: هجای نخست: «صامت + مصوت + صامت»، هجای دوم: «صامت + مصوت کوتاه "ه"».

از جمله الگوهای دیگری که آوانماهای دوهجایی در آنها ظاهر می‌شوند، الگویی است که هجای نخست آن نسبت به الگوی مواردی مانند «لرخه» یک واج بیشتر دارد. ترتیب واج-ها در هجاهای اول و دوم در این الگو چنین نیز است: هجای اول: «صامت + نیم مصوت + صامت + مصوت» که مصوت پایانِ هجا غالباً بلند است؛ هجای دوم: «صامت + مصوت کوتاه ه»؛ مانند «چریکه»، «شریخه»، «زریکه» و ... البته نمونه‌هایی نیز وجود دارد که مصوت پایانی هجای نخست کوتاه است، مانند «چروقَه». تعداد واج‌ها در این الگو با احتساب نیم-مصوت شش واج است. مواردی که این الگو را دارند، چندان زیاد نیستند و از نظر کمیّت و کاربرد، بر خلاف الگوهای دیگر، نمی‌توان نمونه‌ها و مصداق‌های زیادی را برای آن یافت.

برای ساختمان واجی آوانماهای دوهجایی در زبان کردی غیر از الگوهای گفته‌شده که به ترتیب چهار، پنج و شش واجی بودند، الگوهای دیگری همچون هفت واجی نیز وجود دارد که مصداق‌های آن بسیار کم است و نمونه‌های کمی را می‌توان برای آنها یافت، مانند «قراسپه»، «تریشقه» و ...^۱

درباره‌ی ساختمان اسم مصدر یا حاصل مصدر آوانماها از نظر اجزای تشکیل‌دهنده که آیا بسیط (ساده) هستند یا مشتق، نمی‌توان با قطعیت و یقین نظر داد؛ زیرا همه‌ی آوانماها نوع و حالت یکسانی ندارند. چنین به نظر می‌رسد که در آوانماهای فعلی (یک‌هجایی باشد یا دوهجایی)، اسم مصدر مشتق است، یعنی مصوت کوتاه پایانی که «ه» باشد، جزء اصلی واژه نیست و پسوند اشتقاقی محسوب می‌شود. دلیلی که می‌توان برای این مسأله مطرح کرد، این است که مصوت کوتاه «ه» در شکل مصدری آواهای فعلی وجود ندارد و اگر جزء اصلی واژه می‌بود، بایستی در شکل مصدر نیز باقی می‌ماند، مانند «نهره»، «نقه» که مصدر آنها «نه-یران/ نهراندن» و «نقان/ نقاندن» است. اما در آواهای اسمی با استناد به دلیل‌هایی می‌توان اذعان کرد که مصوت کوتاه «ه» جزء اصلی واژه است و صورت اسم حاصل مصدر این نوع آواها را باید بسیط (ساده) قلمداد کرد. دلیل اصلی این قضیه چنین است که جزء بدون مصوت کوتاه «ه» در واژگان دیگری کاربرد ندارد تا این مصوت را اشتقاقی پنداشت. مثلاً

اگر امکان داشت که جزء «چرپ» را از اسم حاصل مصدر «چرپه» در واژگان دیگری برای همین مقوله‌ی اسم و یا حتی برای مقوله‌ی دیگری همچون صفت به کار برد، می‌توانستیم مصوّت کوتاه «ه» را جزء اصلی ندانیم.

۴- صورت قیدی و صفتی آوانماها

کاربرد آوانماها در زبان کردی تنها به صورت‌های اسم مصدر یا حاصل مصدر و فعل (مرکب یا بسیط) محدود نمی‌شود، بلکه گاهی به شکل قید نیز به کار می‌روند. شکل قیدی آوانماها گرچه غالباً به صورت تکرار صدای مورد نظر است، یعنی اسم مصدر آن صدا دو بار تکرار می‌شود، اما در برخی مواقع نیز برای بیان قید تنها صورت اسم / حاصل مصدر آوانما ظاهر می‌شود. این که شکل قیدی آوانماها چگونه باشد (تکرار لفظ یا بدون تکرار)، به جمله‌ای بستگی دارد که در آن به کار می‌رود. البته شکل تکرار لفظ بیشتر کاربرد دارد؛ با این تفاوت که در جزء دوم مصوّت کوتاه «ه» برای سهولت تلفظ ذکر نمی‌شود، مانند «قیژه‌قیژ»، «نکه‌نک»، «لووره‌لوور»:

وهک چاوی وشکه سوّقییه کانی له دار و بهرد دهر دین به سهه تهره‌ننوم و گریان و نووکه‌نووک

(نالی، ۱۳۸۸: ۲۱۰)

همه‌ی انواع آوانماها، اعم از اسمی و فعلی، می‌توانند به شکل قید ظاهر شوند و حالت قیدی آنها نیز یکسان است؛ طوری که از نظر ساختاری تفاوتی با هم ندارند. از این رو در زبان کردی، بر خلاف زبان فارسی، آوانماها را همیشه به صورت لفظ تکراری به کار نمی‌برند، بلکه تنها در مواقعی لفظ مربوط به آوا تکرار می‌شود که آن را به عنوان قید به کار ببرند یا این که برای نمایش تأکید و تجسم بهتر صدا باشد.

همان‌گونه که تا این جا نمایان شده است، آوانماها در زبان کردی در انواع کلمه‌ها و مقوله‌های دستوری همچون فعل، اسم و قید کارکرد دارند؛ حال باید دید که در مقوله‌ی

صفت چه وضعیتی دارند و آیا به عنوان صفت نیز می‌توانند ظاهر شوند؟ غیر از چند مورد که اسم مصدرِ آوانما با تغییراتی جزئی به صفت تبدیل می‌شود و از نظر ساختمان نیز شکلِ صفتی آنها بسیط است، بقیه‌ی آوانماها برای این که به حالتِ صفت درآیند، لازم است که اسم مصدر یا حاصل مصدرِ آنها با وندهای صفت‌ساز ترکیب شود. طبیعی است که ساختمانِ چنین مواردی بسیط نیست، بلکه مرکب یا مشتق خواهد بود. آن چند موردی هم که صورتِ صفتی آنها بسیط است، آواهای مربوط به حالات انسانی است و از آواهای مربوط به جانوران و پدیده‌های طبیعی نمی‌توان صفتِ بسیط ساخت. صفاتی مانند «گیزن» که از اسم مصدرِ «گیزه» و «قرخن» که از «قرخه» گرفته شده است، نمونه‌هایی از صفت‌های بسیط هستند که مبنای آنها آواهای خاصی از اعمال و حالات انسانی است. چنین آوانماهایی که از آنها صفتِ بسیط به دست می‌آید، از نوعِ آواهای اسمی نیستند، بلکه از نوعِ آواهای فعلی هستند؛ بنابراین بر عکسِ آواهای فعلی، از آواهای اسمی صفتِ بسیط ساخته نمی‌شود. برای نمونه، به دلیلِ نوعِ اسمیِ واژه‌ی «خره» نمی‌توان از آن صفتِ بسیط ساخت، اما از «قیژه» صفتِ بسیطِ «قیژن» ساخته می‌شود. نکته‌ی مهم دربارهِ صفت‌های حاصل از آواهای فعلی، یکسانیِ ساخت آنهاست؛ بدین معنا که شیوه‌ی ساختِ صفت از آواهای فعلی از یک فرم و ساختار پیروی می‌کند و همه‌ی آنها به صامتِ «ن» ختم می‌شوند، مانند «گیزن»، «میزن»، «قرخن»، «زیقن» و ...

امکان دارد این ایراد مطرح شود که صفت‌هایی مانند «قرخن»، «گیزن»، «جیقن» و ... گرچه در ظاهر بسیط جلوه می‌کنند، اما به دلیل این که واجِ «ن» جزء اصلیِ واژه نیست و چنین صفت‌هایی از واژه‌ی دیگری اشتقاق یافته‌اند، باید آنها را مشتق محسوب کرد. در پاسخ به این ایراد باید گفت که اجزای این گونه صفات جدایی‌ناپذیرند و هیچ جزئی به ساختمان واژه اضافه نشده است تا آن را مشتق بدانیم؛ از اسم مصدر تنها واجِ «ه» که مصوت کوتاه است، به واجِ «ن» تغییر کرده است.

بیشتر آوانماها با توجه به این که یکی از ظرفیت‌های واژه‌سازی در زبان کردی فرایند ترکیب است، برای ساختن صفت از آوانماها اسم مصدر آنها با پسوندهای صفت‌ساز ترکیب می‌شود، مانند «هه‌را + که‌ر = هه‌راکه‌ر».

۵- نقش‌های دستوری آوانماها در زبان کردی

همانند زبان فارسی، در زبان کردی نیز آوانماها می‌توانند در جمله در نقش‌های مختلف ظاهر شوند. شکل صرفی آوانماها در نقش‌های دستوری، غیر از نقش فعلی در آواهای فعلی، یکسان است و به صورت اسم مصدر یا حاصل مصدر نمودار می‌شود. اما آواهای فعلی وقتی در نقش فعل ظاهر می‌شوند، چون مقید به شخص و زمان و وجه هستند، صورت صرفی آنها در کلام نمایان می‌شود:

«سه‌ری له پهنجهره‌یه‌ک ده‌ره‌یناو نه‌راندی»، «سه‌عا قیزاندی به سه‌ریدا» (نقل از: سه‌جادی و نیبراهیمی، ۱۳۹۶: ۳۴۹).

در بقیه‌ی نقش‌های دستوری صورت اسم مصدر یا حاصل مصدر آوانماها در جمله ظاهر می‌شود. چند نمونه از آوانماها که در نقش‌های مختلف دستوری ظاهر شده‌اند، ذکر می‌شود:

- فاعل:

ذه‌ر‌پ‌ره‌ تریشقه‌نی‌که که کنوی د‌دا به باد نه‌ش‌باه نه‌وه‌نده زوره به که‌س نایه‌ته شو‌مار
(مه‌حوی، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

- مضاف‌الیه:

نیسته‌ش مه‌کائی ناسکه‌یی کائی ناسکان یا خو بووه به مه‌لعه‌به‌یی گورگ و لووره‌لوور
(نالی، ۱۳۸۸: ۱۵۱)

- متمم:

به‌رق شو‌عه‌ی عیشق نه‌ پرووی عه‌سه‌ی ده‌ور بدا له هه‌ر که‌س چون تریشقه‌ی هه‌ور
(خانای قوبادی، ۱۳۹۴: ۲۸۵)

- قید:

«له ژیر نه‌ستیره خه‌رمان‌کراوه‌کائی ناگر‌دا که هه‌میشه کل‌یه‌ک‌ئپ ده‌سووتین» (نقل از: سه‌جادی

و نیبراهیمی، ۱۳۹۶: ۳۰۰).

۶- نمایه‌ای از آوانماهای پُر کاربرد در زبان کردی

در این نمایه صورتِ اسم مصدر یا حاصل‌مصدرِ آوانماها را ذکر می‌کنیم و با صورتِ فعلی، قیدی و صفتی آنها که با سازوکارهای صرفی حاصل می‌شوند، کاری نداریم. آوانماهایی که در زیر ذکر می‌شوند، از کتاب‌ها و فرهنگ‌های لغتِ زبان کردی استخراج نشده‌اند، بلکه از گفتارهای روزمره یادداشت‌برداری و جمع‌آوری شده‌اند. گرچه این آوانماها از گویشِ سورانی مردم سنندج گردآوری شده است، اما چنین واژگانی را می‌توان، با کمی تفاوت‌های جزئی در تلفظ، در تمام گویش‌های دیگرِ زبان کردی یافت.

«ب»

قرته: صدای شکستن چوب نازک

بازه: صدای گوسفند

قرچه: صدای شکستن شاخه‌های بزرگ درخت /

بروسکه: درد ناگهانی در عضوی از بدن

صدای سرخ شدن چیزی در روغن

بوره: صدای گاو

قرخه: صدای سرفه‌ی پیران

بۆله: صدای زنبور عسل

قرمه: صدای آب فراوان در جوی

بوومه: صدای جغد

قلته: صدای جوشیدن آب

«پ»

قلیوه: صدای گاز و فلامینگو

پچه: صدای در گوشی حرف زدن

قوره: صدای شکم انسان هنگام گرسنگی

پرته: صدای خاموش و روشن شدن چراغ

قوزه: صدای سرفه‌ی سرماخوردگی

پرخه: خروپف

قوله: صدای خروس

«ت»

قهوچه: صدای ناهنجار در آدامس جویدن

تریشقه: صدای رعد و برق

قیچه: صدای جروبحث زن

تریقه: صدای خنده‌ی بلند و متناوب

قیره: صدای جنجال یا فریاد بسیار بلند

تلپه: صدای بم افتادن شیء سنگین

قیژه: جیغ زدن ناشی از درد و رنج

تهپه: صدای سنگین قدم زدن

«ک»

تهقه: صدای کوبیدن چیزی بر چیز دیگر

«ج»

جرنگه: صدای حاصل از حلقه‌های زنجیر

جرووکه: صدای جوجه‌های مرغ

جریوه: صدای سنجاب و سمور

جزه: صدای سوختن چیزی مانند غذا

جووقه: صدای طاووس

جووکه: صدای گنجشک

جیره: صدای باز و بسته شدن در

جیزه: صدای سماور

جیفه: جیغ زدن بچه‌ها

جیکه: صدای گنجشک

«ج»

چرپه: صدای آهسته‌ی پا

چرکه: صدای لرزش بدن در سرما

چروقه: صدای برخورد دندان‌ها هنگام سرما

چریکه: صدای دلنشین بلبل

چکه: صدای قطرات آب

چلیپه: صدای ناهنجار غذا خوردن

چهقه: صدای شتر هنگام جفت‌گیری

«ح»

حه‌په: صدای منقطع سنگ

«خ»

خته: صدای دفع کردن گربه

خرپه: صدای قدم گذاشتن روی برف

کرچه: صدای جسم سنگین هنگام جابه‌جاشدن

کرمه: صدای خوردن چیزهای تُردی مثل قند

کره: صدای کشیدن متناوب شیء روی فلز

کلپه: صدای شعله‌ور شدن آتش

کیره: صدای خوشخراش کشیدن شیء زبر روی

سطح سخت

کیفه: صدای مکش مار یا هر چیز دیگری

«گ»

گاره: صداهای نامفهومی که کودک بیان می‌کند

گریپه: صدای سوختن چیزها

گرمه: صدای رعد ابر

گژه: صدای رادیو و تلویزیون هنگامی که روی

موج و شبکه‌ی اصلی نباشند.

گقه: صدای وزش باد

گغه: صدای نامفهوم کودک

گمه: صدای کبوتر و قمری

گیفه: صدای عبور سریع چیزی

گیزه: صدای گریه آهسته بچه

«ل»

لاوه: صدای مرثیه برای مرده

لرخه: صدای گرفتگی سینه

لووره: صدای گرگ

لووشه: صدای بلعیدن مار یا فین کردن

«م»

- خرچه: صدای خوردن چیز ترد و سفت / صدای جویدن غذای نپخته‌ای چون گوشت و حبوبات.
- خرمه: صدای جویدن آجیل و خوردن خیار
- خرنه: صدای بارش شدید باران
- خره: صدای حرکت اشیاء کوچک درون ظرف بزرگ
- خشه: صدای حرکت چیزی روی خار و خاشاک
- خوره: صدای جویبار
- خیسه: صدای خفه شدن
- «ز»
- زرمه: صدای افتادن شیء سنگین
- زره: صدای زنگ و زنگوله
- زریکه: صدای گریه‌ی ناگهانی بچه
- زووزه: صدای باد در زمستان / صدای گرگ
- زیره: صدای گریه‌ی شدید کودک
- زیکه: صدای گوشخراش فریاد بچه
- «س»
- سسه: صدای ساکت کردن
- سهره: صدای بلند و کشیده‌ی الاغ
- «ش»
- شاخه: صدای پایین آمدن آب در دره‌ها
- شریخه: صدای برق ابر
- شلیه: صدای افتادن چیزی در آب
- شلقه: صدای گل و لای
- مرخه: صدای خرناس شدید
- مرقه: صدای قوچ که با دهان بسته از ته گلو تولید می‌کند.
- مره: صدای منقطع الاغ
- مشه: صدای تنفس شدید با بینی
- منچه: صدای آشفته غذا خوردن
- منکه: صدای شیر خوردن کودک
- منجه: صدای عدم رضایت فرد هنگام جواب دادن
- میاوه: صدای گربه
- میزه: صدای حاصل از بهانه‌گیری بچه
- میله: صدای نرم و آهسته بز
- «ن»
- نالاه: صدای انفجار سهمگین
- نرکه: صدای شلیک گلوله
- نهره: صدای الاغ
- نقه: صدای فرد هنگام حمل شیء سنگین
- نکه: صدای شخص بیمار در بستر
- نووزه: صدای بهانه‌بچه که با گریه همراه است.
- نووکمه: صدای آهسته‌ی بچه پس از پایان گریه
- نیخه: صدای اسب
- «و»
- واقه: صدای روباه
- وره: صدای دسته‌جمعی زنبور عسل
- وزه: صدای زنبور وحشی

شَهَقَه: صدای سیلی زدن	وَهْرَه: صدای پارس سگ
شَبِیْتَه: صدای داد و فریاد زنان	«ه»
شَبِیْرَه: صدای در رفتنِ شدید باد اجسام / صدای پارگی.	هَارَه: صدای موتور
«ف»	هَازَه: صدای آب در جویبار
فَسَه: صدای در رفتنِ آهسته‌ی بادِ لاستیک	هَرکَه: صدای خنده بلند
فَیْقَه: سوت زدن	هَرِیْکَه: صدای خنده بلند
فَیْکَه: صدای سوت زدنِ نازک و آرام برای آب - خوردن چهارپایانی چون اسب و الاغ	هَوْرَه: صدای آزاردهنده ماشین
«ق»	هَوْفَه: صدای عبور سریع انسان
قَارَه: صدای کلاغ	هَووَهوو: صدای جغد
قَاسِپَه: صدای کبک	ههرا: صدای داد و فریاد هنگام دعوا
قَالَه: صدای بز	ههسکه: صدای نفس زدن شدید هنگام دویدن
قَخَه: صدای بیرون دادنِ خلطِ درون سینه	
قَراسِپَه: صدای مرغ	

۷- نتیجه

آوانماها در زبان کردی هم از نظر کمیّت قابل ملاحظه هستند و هم از نظر تنوّع ساختارِ ترکیب هجایی و واجی. جنبه‌ی کمیّتیِ آوانماها آن‌چنان است که در این زبان برای هر صدایی یک واژه‌ی مشخص وجود دارد؛ حتّی فعل‌هایی هستند که بر اساس صدایشان نامگذاری شده‌اند. قضیه‌ی تقسیم‌بندیِ آوانماها از نظرِ نوعی به دو مقوله‌ی اسمی و فعلی، از یک طرف بارزترین جلوه‌ی همین فراوانی است و از طرفِ دیگر، نشان می‌دهد که تمام آوانماها نمی‌توانند در یک رده قرار بگیرند و نباید آنها را از یک گونه قلمداد کرد. ساختار

هجایی و واجی آوانماهای زبان کردی نیز دارای تنوع است؛ طوری که حالت اسم مصدر یا حاصل مصدر آنها از نظر ساختمان هجایی، موارد یک هجایی و دو هجایی را شامل می‌شود. این در حالی است که در زبان فارسی نام آواها چون از تکرار لفظ یا ترکیب عطفی ساخته می‌شوند، همواره دو هجایی هستند و نمونه‌ی یک هجایی را نمی‌توان یافت. از آوانماهای زبان کردی می‌توان در مقوله‌های اسم، فعل، قید و صفت استفاده کرد؛ با این تفاوت که شیوه‌ی ساخت آوانما، با توجه به نوع آن از نظر اسمی و فعلی، در هر کدام از مقوله‌های گفته شده فرق می‌کند. فعل و بیشتر صفت‌های حاصل از آواهای فعلی بسیط (= ساده) است، اما فعل و صفت برآمده از آواهای اسمی مرکب است. قید نیز بسته به جمله‌ای که در آن به کار می‌رود، می‌تواند در دو حالت ظاهر شود: ۱- ترکیب حاصل از تکرار لفظ؛ ۲- اسم یا حاصل مصدر آوا بدون تکرار لفظ. افزون بر این مطالب، آوانماهای زبان کردی در حالت اسم مصدر یا حاصل مصدر می‌توانند در نقش‌های مختلفی که یک اسم می‌گیرد، ظاهر شوند، نقش‌هایی مانند «فاعل»، «متمم»، «مفعول»، «مضاف‌الیه» و ...

۸- مشخصات منابع

الف: منابع فارسی

- احمدی، جمال. (۱۳۹۵)، تاریخ ادبیات کردی از آغاز جنگ جهانی اول، چاپ اول، سقز: گو تار.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی. (۱۳۶۸)، دستور زبان فارسی (۲)، تهران: مرکز توانبخشی نابینایان رودکی.
- خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی، چاپ دوازدهم، تبریز: ستوده.
- رحیمی، محمد. (۱۳۹۱)، توصیف ساختارهای گویش سورانی زبان کردی، چاپ اول، سنج: شیخی.
- نشاط، سید محمود. (۱۳۵۶)، مقاله‌ی «اسم صوت و کاربرد آن در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال بیست و چهارم، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۹۷ و ۹۸) صص ۲۸۳ - ۲۹۸.
- نوبهار، مهر انگیز. (۱۳۷۲)، دستور کاربردی زبان فارسی، چاپ اول، تهران: رهنما.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۵)، فرهنگ نام آواها در زبان فارسی، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

ب: منابع کردی

- حاجی‌مارف، نهورمحمان. *رئیزمانی کوردی*، بهرگی یه‌که‌م/ بهشی یه‌که‌م، چاپی یه‌که‌م، کرج: مانگ.
- سه‌جادی، به‌ختیار و مه‌زه‌هر ئیبراهیمی. (۱۳۹۶)، *زمان و ویژه‌ی کوردی*، چاپی یه‌که‌م، سه-قز: گوتار.
- قوبادی، خانان. (۱۳۹۴)، *دیوانی خانای قوبادی*، کۆکردنه‌وه و لیکۆلینه‌وه‌ی کاروان عوسمان خه‌یات، پێداچوونه‌وه‌ی ئیدریس عومەر مه‌حمود، چاپی یه‌که‌م، سنندج: شوان.
- مه‌حوی، مه‌لا موحه‌مدی کوری مه‌لا عوثمانی بالخی. (۱۳۸۱)، *دیوانی مه‌حوی*، لیکدانه‌وه و لیکۆلینه‌وه‌ی مه‌لا عه‌بدولکه‌ریمی موده‌ررس و محهمه‌دی مه‌لا که‌ریم، چاپی یه‌که‌م، سنندج: کوردستان.
- نالی، مه‌لا خدر ئه‌حمه‌دی شاره‌یسی میکایه‌لی. (۱۳۸۸)، *دیوانی نالی*، لیکۆلینه‌وه و لیکدانه‌وه‌ی موحه‌مدی مه‌لا که‌ریم، پێداچوونه‌وه‌ی مه‌لا عه‌بدولکه‌ریمی موده‌ررس و فاتیح عه‌بدولکه‌ریم، چاپی یه‌که‌م، تهران: آنا.

^۱: یادآوری می‌شود که نباید هر واژه‌ای که در زبان کردی از نظر هجایی و ترتیب واجی دارای یکی از الگوهای گفته‌شده باشد، آوانما تلقی کرد؛ زیرا این الگوها تنها به آوانماها اختصاص ندارند و ممکن است واژگان دیگری که اصلاً بر آوای خاصی دلالت نداشته، دارای چنین الگوهای باشند.